

چالش حیل‌های شرعی فرار از ربا در نظام فقهی امام خمینی (ره)*

محمدصادق فیاض
دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی

چکیده

حیل‌های شرعی ربا روش‌هایی هستند که برای تخلص از حرمت ربا مورد استفاده قرار می‌گیرند. به اذعان مشهور، استفاده از این روش‌ها را خود شارع اجازه داده است. در گذشته این نظریه تقریباً پذیرفته شده و مسلم می‌نمود، اما در دوره معاصر با ظهور مرحوم امام خمینی (ره)، با چالش جدی مواجه گردیده است.

از نظر ایشان، این نظریه در ذات خود متناقض و در تعارض با جایگاه نمونه و اسوه امام معصوم (ع) در اجتماع و در تضاد با فلسفه تحریم ربا قرار دارد، که معامله‌ای به خاطر مفاسد مترتب بر آن تحریم گردد و سپس به روشی دیگر، همان معامله با حفظ مفاسدش، تجویز گردد. با این وجود، برخی به استناد ظواهر روایات در این باب هم‌چنان از رأی مشهور دفاع کرده‌اند، ولی روش استدلال امام خمینی (ره)، بیش از آن که مستند به ظواهر روایات باشد، به فلسفه تشریح حرمت و مفاسد مترتب بر آن است، که مجال تأمل بر اعتبار سندی آن‌ها و نیز استناد به ظواهر آن را، سلب می‌کند.

واژگان کلیدی: ربا، فقه، معاملات، حیل‌های شرعی، مفاسد ربا.

تایید: ۹۸/۱۰/۲۷

* دریافت: ۹۸/۹/۲۵

مقدمه

حیله‌های شرعی ربا روش‌هایی هستند که به اذعان مشهور در تخلص از حرام، نقش دارند؛ با استفاده از آن‌ها معاملاتی که شرایط ربا را داشته و حرام اند مشروعیت پیدا می‌کنند، اگرچه ممکن است به لحاظ ترتب آثار عملی و حتی انگیزه با معاملاتی که بدون حیله، انشاء می‌گردند، تفاوتی نداشته باشند. در مقابل این نظریه، برخی از فقها به نحوی مخالفت کرده‌اند که تخلص از حرمت ربا با آن همه تأکید و مفاسد، به این آسانی ساده‌اندیشی و منفعت‌طلبانه است و باید روایاتی را هم که در ظاهر اجازه می‌دهند از چنین روش‌های استفاده کنیم با احتیاط بررسی کرده تا مبادا بدون مستمسک لازم از یک طرف عملاً راه را بر مفاسد ربا باز کرده و از طرفی دیگر، به نحو متناقض ادعای تعبد به اصل تشریح حرمت ربا را نیز، داشته باشیم.

این واقعیت تاریخی را هم نباید از نظر دور داشت که تلقی غالب از مشروعیت حیله‌ها در ربا و پشتوانه‌های سنگین آن که به روایات متعدد و شاید متواتر مستند می‌گردید هم جرات مخالفت را سلب کرد بود و هم مجال بروز و بسط مناسب را از مخالفت‌های که صورت گرفتند، دریغ می‌داشت تا آن که در دوره معاصر حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه مسأله را مورد تجدیدنظر، قرار داد و در نهایت با قاطعیت تمام بر عدم مشروعیت آن‌ها، فتوا داد. جایگاه فقهی حضرت امام (ره) و رهیافت‌های ویژه‌اش از کارکرد فقه در اداره جامعه، توانست زمینه را برای بازکوی مسأله فراهم نموده و پژوهش مجدد آن را در اولویت، قرار بدهد. براین اساس، هدف از مطالعه در مسائل فقه الربا و بخصوص مشروعیت حیله‌های معاملات ربوی، شناسایی روش‌های عملیاتی شده و تکراری نیست بلکه مشارکت در سنجش ظرفیت گفتمان انتقادی است که ادعا دارد با واقع‌نگری و انسجام با اضلاع دیگر مسأله، افق نسبتاً جدیدی را در این چشم‌انداز، ترسیم می‌نماید. تأثیر حداقلی این گفتمان از بعد علمی، جریان مناقشات چندجانبه روی موضوعی است که در دوره معاصر، مسلم انگاشته نمی‌شود بلکه علی‌رغم استقرار اصطلاح «حیله‌های شرعی» و شهرت مبنی بر مشروعیت آن، صحت انتساب آن به شرع، مورد سؤال جدی قرار گرفته است. این را هم باید تذکر داد که با وجود تقید عنوان این نوشتار به چالش‌های حیله در ربای معاملی، استدلال‌ها گاهی به اقتضای تخصیص ناپذیر بودن، فراتر از آن ربای قرضی را نیز پوشش می‌دهد ولی این منظور ما نبوده بلکه منظور در تمام رفت و برگشت‌های استدلالی، روشن نمودن حکم حیله‌های مرتبط با ربای معاملی است و به لوازم آن، کار نخواهیم داشت؛

چالش حیله‌های فرار
از ربا در نظام فقهی
امام خمینی (ره)

بخصوص که مبنا و محور در این بررسی‌ها، دیدگاه حضرت امام خمینی است. در چهارچوب این روش که مطابق ترتیب کتاب شریف «تحریر الوسیلة»، اتخاذ گردیده احکام ربای معاملی از قرضی، تفکیک شده است. این رویه در دیگر مطالعات فقهی نیز، دیده می‌شود.

۱. مفهوم‌شناسی

- **ربا:** ربا در لغت از «ربو» و غالباً آن را به فزونی، معنا کرده‌اند (فیومی، بی‌تا، ۲: ۲۱۷؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰). برخی هم گفته‌اند به معنای رویش و بلندی نیز می‌آید (ابن فارس، ۱۴۰۴، ۲: ۴۸۳). اما در فقه امامیه منظور از آن مطابق تعبیر مرحوم شهید ثانی این است: «الرّبا... شرعا بیع أحد المتماثلین المقدّرین بالکیل أو الوزن فی عهد صاحب الشرع(ص) أو فی العادة- بالآخر، مع زیادة فی أحدهما حقیقة أو حکما، أو اقتراض أحدهما مع زیادة و إن لم یكونا مقدّرین بهما، إذا لم یکن باذل زیادة حریبا، و لم یکن المتعاقدان والدا مع ولده، و لا زوجا مع زوجته» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳: ۳۱۶). در این بیان احتمال جریان حیله در مطلق معاوضات نفی نشده است. در هر حال، چه ربا را مختص به بیع بدانیم و چه آن را به مطلق معاوضات تعمیم بدهیم شرط اول آن متمائل بودن عوضین، در نوع است؛ یعنی در جنس، وصف و ارزش با هم برابر باشند و شرط دوم، متداول بودن اندازه‌گیری آن‌ها با پیمانانه و ترازو، است؛ یعنی باید از کالاهای باشند که یا در عصر شارع اندازه‌گیری آن‌ها با پیمانانه و ترازو متداول بوده و یا این که عاداتا مردم در داد و ستدها آن‌ها را با پیمانانه و ترازو، اندازه بگیرند. البته اعتبار شرط دوم، اختصاص به ربای در بیع یا ربای معاملی دارد و در ربای قرضی لازم نیست مورد قرض از کالاهای باشند که آن‌ها را با کیل و وزن، اندازه می‌گیرند. بنابراین، ربا دو قسم دارد: ربای معاملی و ربای قرضی.

مرحوم صاحب جواهر نیز در مقام تعریف، عین تعابیر شهید ثانی را تکرار کرده، اما در ادامه به طور سربسته می‌گوید که در بیان ایشان جای نقد و نظر، فروان هست ولی از این جهت که هدف در این گونه تعریفات، دست یافتن به حدّ منطقی نبوده مناقشه در جامعیت و مانعیت آن، لازم نیست، بخصوص که از نظر برخی ربا در اصطلاح شرع نیز به همان معنای لغوی خود باقی مانده جز آن که اگر در بیع، نسبه و یا مطلق معاوضات، استفاده گردید مراد از آن فزونی در آن‌هاست؛ یعنی بیع ربوی، بیعی است مشتمل بر فزونی در یکی از عوضین؛ قرض ربوی، قرضی است که قرار است بیش از اصل مال به صاحبش، برگردانده شود و مراد از معاوضه ربوی، نقل و انتقالی است که یکی از عوضین بیش‌تر از معوض می‌باشد (نجفی، ۱۳۶۷، ۲۳: ۳۳۴). در نتیجه،

علی‌رغم انتقاد سربسته صاحب جواهر از تعریف شهید ثانی، محورهای که در این تعریف بدان‌ها توجه شده، از اموری اند که همه بر صحت و اعتبار آن‌ها اتفاق نظر دارند؛ مانند: ۱. تقسیم دوگانه ربا به ربای معاملی و قرضی؛ ۲. اعتبار اتحاد و مکیل و موزون بودن عوضین در ربای معاملی؛ ۳. استثناء ربا بین مسلمان و کافر، بین پدر و فرزند و بین زن و شوهر (ن.ک. خوئی، ۱۴۱۰، ۲: ۵۱ و ۵۴؛ امام خمینی، بی‌تا، ۱: ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۹).

- **حیله شرعی:** واژه حیله از ماده «حول» به معنای تدبیر ماهرانه امور است که در نهایت به مقصود، رهنمون می‌گردد. (فیومی، همان، ۲: ۱۵۷). برخی مانند راغب اصفهانی حیله را به تدبیری توأم با پنهان‌کاری، معنا کرده‌اند؛ حیله به این معنا بیش‌تر به تلاش‌های گفته می‌شود که ناخوشانید است و گاهی در مواردی استفاده می‌گردد که مشتمل بر حکمت و یا تدبیر سالم، است: «الْحَيْلَةُ وَ الْحَوِيلَةُ: مَا يَتَوَصَّلُ بِهِ إِلَى حَالَةٍ مَا فِي حَفِيَّةٍ، وَ أَكْثَرُ اسْتِعْمَالِهَا فِيمَا فِي تَعَاظِيهِ خَيْثُ، وَ قَدْ تَسْتَعْمَلُ فِيمَا فِيهِ حِكْمَةٌ، وَ لِهَذَا قِيلَ فِي وَصْفِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: وَ هُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» [الرعد: ۱۳] (راغب اصفهانی، همان: ۲۶۷).

صاحب مقانیس تلاش کرده نشان بدهد اصل این ماده به معنای حرکت دورانی است و در حیله نیز این معنا، محفوظ است؛ زیرا، شخصی که در موردی حیله می‌کند در واقع دور آن می‌چرخد تا خوب جوانب آن را، درک نماید (ابن‌فارس، همان، ۲: ۱۱۱). نکته‌ای مورد اتفاق در این معنانشناسی‌ها این است که حیله‌ها، غالباً روال عادی ندارد و از همین‌رو، راغب اصفهانی تصریح کرده که بیش‌تر ناخوشایند هم هست. بنابراین، مراد از حیله‌ها در ترکیب با کلمه شرع، تدبیر و یا تلاش‌هایی است که اعتبار آن از شرع گرفته شده اما روال سائر امور شرعی را ندارد. شاید به این خاطر که حیله شرعی در فقه نیز به همان معنای لغوی خود استفاده شده فقها لازم ندیده‌اند تعریفی نسبتاً دقیقی از آن ارائه نمایند. البته گفت‌وگو در باره استفاده از حیله‌ها و شناخت گونه‌های آن در ابواب مختلف فقه، از گذشته‌های دور، متداول بوده است. متن زیر به طور نمونه از مفاتیح الشرائع، انتخاب شده است: «خاتمة فی الحیل الشرعية... يجوز التوسل بالحیل المباحة فی إسقاط ما لو لا الحيلة لثبت، كما يتوسل فی إسقاط الربا بأن یبیع أحد المتبايعین سلعته من صاحبه بجنس غیرها» (فیض کاشانی، بی‌تا، ۳: ۳۳۳).

ملاحظه می‌گردد هدف از انعقاد چنین عنوان، شناخت اسباب و روش‌های مباح تخلص از برخی محذورات شرعی مانند ربا، بوده است و غالباً هم چنان که مرحوم صاحب حدائق تذکر می‌دهد این مبحث نقش پیوست را در مسائل طلاق و رجوع، داشته است: «قد جرت عادة جملة من

الأصحاب بذكر الحيل الشرعية في هذا المقام، قال المحقق في الشرائع: يجوز التوصل بالحيل الشرعية المباحة دون المحرمة في إسقاط ما لو لا الحيلة ثبت...» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۲۵: ۳۷۵).

به این ترتیب، جایگاه مسأله و مثال‌ها در دوره صاحب حدائق بیش‌تر معطوف به حل تنگناها در امور زناشویی بوده اما رفته رفته در دوره‌های متأخر، عقود مالی و مسائل مرتبط به آن در ذیل این عنوان، پررنگ شده و مثال‌ها عوض می‌گردد: «يجوز استعمال الحيل الشرعية في العقود و لا منافاة فيها للتصد المشترط فيجوز التخلص من الزكاة و الخمس و الحج و الربا و حرمة الاحتكار بأن يبيع أو يهب أو يرهن ماله في أثناء السنة أو يبيع أو يهب ما يراد من النفع في القرض أو يضم إلى التمثالين ضميمة تخرجهما عن الربا» (همان).

به هر حال، تأمل بر این پیشنهادها افزون بر آن که جایگاه تاریخی حيله و قلمرو گسترده آن را در ابواب مختلف فقه، باز می‌نمایاند تصور روشن از این مفهوم را هم نشان می‌دهد که منظور فقها از این عنوان، توصل به اسباب و روش‌های است که ضمن حفظ ظواهر شریعت، مکلفان را در عرصه عمل، نوعی آزادی می‌دهد: «الحيلة هي حفظ ظواهر قوانين الشرع و ان كانت روحها غير موجودة؛ حيلة عبارت است از حفظ ظاهر قوانین شرع، اگر چه روح آن قانون موجود نباشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۰: ۱۴).

در تعریف برخی از فقه‌پژوهان اهل سنت هم عناصر تعریف فوق، دیده می‌شود^۱ و این حاکی از اتفاق نظر فقه فریقین در این باره است. به هر حال، چنین تعریفاتی، از آغاز به برخی بدبینی‌ها هم نسبت به کارکرد حيله، دامن می‌زند؛ زیرا، آنچه در هر نظام قانونی اهداف قانون‌گذار را تأمین می‌کند روح قوانین است و معنای حفظ ظاهر بدون آن، جواز اخلال در مقاصد آن و متضمن نوعی تناقض است. چنین جمع‌بندی جهت‌دار در واقع مهم‌ترین تحول در مفهوم حيله‌های شرعی است که متناسب با معنای لغوی حيله^۲ در دوران معاصر، رقم خورده است.

۱. «اسم التحيل يفيد معنى ابراز عمل ممنوع شرعا في صورة عمل جائز... لتصد التفضي من مواخذته، فالتحيل شرعا هو ما كان المنع فيه شرعيا و المانع الشارع» (ابن عاشور، بی تا: ۳۵۳).

۲. در برخی منابع روایی و زبان‌شناسی، حيله و مکر با هم عطف شده‌اند (کلینی، ۱۴۲۹، ۱۵: ۳۳؛ زبیدی، بی تا، ۱: ۳۰۰) و این متناسب با همان معنای لغوی حيله است که به تعبیر راغب اکثرا توأم با پنهان‌کاری صورت می‌گیرد و ناخوشایند هم هست. (راغب اصفهانی، همان: ۲۶۷).

۲. اقسام حیل‌های شرعی در ربای معاملی

براساس پیشفرض مشروعیت حیل در معاملاتی که عوضین متمائل اند حداقل چهار روش معروف برای فرار از ربا، شناسایی و پیشنهاد شده است:

۱) **ضمیمه نمودن کالایی از جنس دیگر به یکی از عوضین:** در فرضی که قرار است یک کیلو گندم خوب با دو کیلو گندم ارزان قیمت، معامله گردد باید یکی از طرفین معامله کالایی را که از جنس گندم نیست به آن اضافه نماید تا در نتیجه، معامله از حالت گندم به گندم خارج شده و به گندم در مقابل کالا و گندم، تغییر نماید؛

۲) **انجام دو معامله مستقل:** در همان فرض معامله قبلی، نخست گندم خوب را به هزار تومان به مشتری بفروشد و سپس دو کیلو گندم ارزان قیمت را از او به همان مبلغ، بخرد؛ نتیجه به لحاظ نقل و انتقال واقعی، دو کیلو گندم ارزان در قبال یک کیلو گندم خوب است اما در ظاهر دو معامله بوده و یک طرف آن‌ها هم گندم، نیست؛

۳) **هبه نمودن مورد معامله را به همدیگر:** در این روش ابتدا یکی از طرفین یک کیلو گندم خوب را به طرف دیگر هبه می‌کند و متعاقباً او نیز دو کیلو گندم خود را که ارزان قیمت است به او، هبه می‌کند. البته مشروط به این که هبه نخست، مشروط به هبه دو کیلو گندم از طرف مقابل نگردد بلکه صرفاً انگیزه بر این کار باشد؛

۴) **انجام دو معامله مستقل به صورت قرض:** در فرض یک کیلو گندم خوب مقابل دو کیلو گندم ارزان قیمت، هر دو طرف، گندم‌ها را به صورت قرض به همدیگر می‌فروشند و در نهایت، قیمت‌ها را به هم می‌بخشند. صحت این راهکار نیز مشروط به این است که معامله‌ها جلدی بوده و معامله نخست مشروط به معامله دوم، نشده باشد (حلی، ۱۴۰۸، ۲: ۴۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۹: ۲۶۹).

در برخی منابع، روش‌های چون مصالحه و یا هبه قسمت نیز به عنوان روش تعریف شده (یزدی، بی تا، ۱: ۴۹) اما در واقع آن‌ها از زیرمجموعه‌ای همین روش‌های چهارگانه هستند و مهم هم این است که کارکرد همه آن‌ها واحد است و تغییری در ماهیت معامله نمی‌دهد؛ زیرا، مورد معامله مثلاً، هم‌چنان گندم به گندم است اما افزودن برخی کالاها به یکی از عوضین یا تعدد معامله و یا هبه و قرض، فقط ظاهر قضیه را عوض می‌نماید؛ یعنی در روش نخست هم افزودن کالا جنبه نمادین دارد نه آن که واقعا ارزش آن مورد محاسبه واقع شده باشد. هم‌چنین، در موارد دیگر، اصالت با معاوضه گندم‌هاست، هبه، قرض تعدد معاملات، ظاهرسازی است و به همین خاطر، اسم آن‌ها را حیل گذاشته‌اند.

چالش حیل‌های فرار
از ربا در نظام فقهی
امام خمینی (ره)

۳. دیدگاه حضرت امام خمینی(ره)

چنان‌که معروف است به نظر مرحوم امام تخلص از حرمت ربا، با هیچ حيله‌ای، جایز نیست: «ذکروا للتخلص من الربا وجوها مذکورة فی الکتاب، و قد جدت النظر فی المسألة فوجدت أن التخلص من الربا غیر جائز بوجه من الوجوه، و الجائز هو التخلص من المماتلة مع التفاضل، کبیع من الحنطة المساوی فی القيمة لمئین من الشعیر أو الحنطة الرذیة، فلو أريد التخلص من مبايعة المماتلين بالتفاضل یضم إلى الناقص شيء فرارا من الحرام إلى الحلال، و لیس هذا تخلصا من الربا حقیقة، و أما التخلص منه غیر جائز بوجه من وجوه الحیل». (امام خمینی، همان، ۱: ۵۳۸). عین همین محتوا را مرحوم امام در کتاب البیع هم آورده ولی با این تفاوت که آن‌جا، دستش در تفصیل مطالب، باز است (امام خمینی، بی تا [الف]، ۲: ۵۴۴).

این فتوا، حاصل تجدیدنظر مرحوم امام خمینی(ره) در مسأله است و قبل از آن، چنانچه در چاپ‌های قدیمی تحریرالوسیله دیده می‌شود به نظر مشهور انتقاد نداشته است (ن.ک. مکارم شیرازی، همان: ۴۰). هم‌چنین، در تعلیقه ایشان بر متن وسیلة النجاة، از هماهنگی سید اصفهانی (۱۳۶۵ق) با مشهور، هیچ انتقادی دیده نمی‌شود. متن فتوای سید این است: «یتخلص من الربا بضم غیر الجنس بالطرفین؛ کأن بیع منّا من حنطة مع درهم بمئین من حنطة و درهمین، أو بضم غیر الجنس فی الطرف الناقص، کأن بیع منّا من حنطة مع درهم بمئین منها» (اصفهانی، ۱۴۲۲: ۳۶۴)^۱

بنابراین، پیش از آن که مرحوم امام در مسأله تجدیدنظر کند تنها مرحوم مقدس اردبیلی (۹۹۳ق) (اردبیلی، بی تا: ۴۳۷؛ نگ: مجمع الفائدة والبرهان ۱۴۰۳ق: ۴۸۸/۸) و مرحوم علامه مجلسی (۱۱۱۰ق) از عمل به روایات مجوّز حیل شرعی در ربا، به صورت مجمل هشدار داده بودند که اولاً، بهتر است از تعمیم آن‌ها به تمام شرائط، خودداری گردد و ثانیاً، برای حفظ شؤون دینی از عمل به آن‌ها مطلقاً، دوری گردد. متن کلام علامه این است: «و هذه الأخبار تدل علی جواز الفرار من الربا بأمثال تلك الحیل، و الأولى الاقتصار علیها بل ترکها مطلقاً تحرزا من الزلل» (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۹: ۲۲۹).

۱. امام خمینی(ره)، تعلیقات خویش را بر متن «وسیلة النجاة» در ۱۳۷۲ق، به پایان برد و سپس در سال ۱۳۸۴ق که به ترکیه تبعید گردید اقدام به تألیف «تحریرالوسیله» کرد. در ادامه این سیر و سفر تحمیل شده امام پس از استقرار در نجف اشرف، تدریس خارج بیع را، از سر می‌گیرد. به نظر می‌رسد تجدیدنظر امام در مسأله جواز تخلص از ربا، محصول همین حقاقت مبارک درسی در نجف اشرف، باشد. «کتاب البیع» که اکنون از امام در دسترس قرار دارد، متنی است که ایشان تدریس خارج آن را در حوزة علمیه مقدسه قم، آغاز کرد و متأسفانه جز تا اواخر بیع فضولی، نتوانست به اتمام برساند؛ تکمیل این سفر عظیم برای امام در سفر به نجف اشرف، میسر گردید.

از مرحوم علامه بهبهانی هم می‌توان در همین زمره، یاد کرد. وی، با این که اجمالاً مشروعیت حيله‌ها را قبول داشته، اما خروجی استدلالش در جهت منع از تجویز و تشویق بی‌حد و حصر حيله‌ها، با مدعای امام، تفاوتی پیدا نمی‌کند (بهبهانی، ۱۴۱۸: ۲۶۳). به هر حال، در متنی که از تحریر الوسیله مرور کردیم و به حسب ترتیب و محتوا ناظر به فتوای سید در وسیله النجاة است، امام به دو مسأله می‌پردازد: نخست این که «تخلص از ربا» به هیچ وجه، جایز نیست و دوم، «تخلص از حرام در بیع متمثلین»، جایز است مشروط به این که در عین تفاضل کمی عوضین، قیمت‌های آن‌ها متوازن باشند؛ یعنی وقتی که قیمت‌ها متوازن ولی به لحاظ کمی یک طرف آن سنگین‌تر است باید به طرفی سبک‌تر، چیزی افزود و این حيله تخلص از ربا نیست بلکه تخلص از مُمَثَلت است؛ زیرا، در حقیقت ربا صورت نگرفته تا با حيله از آن، فرار گردد؛ ربا در جای است که واقعا ارزش مالی یک طرف بیش از طرف دیگر باشد ولی در این فرض که قیمت‌ها متوازن اند ارزش هیچ طرف نسبت به طرف دیگر، افزون نیست تا ربا صدق نماید. به این نکته قبلاً مرحوم بهبهانی توجه کرده است.^۱ بنابراین، در موردی که متمثلین از نظر قیمت با هم تفاوت دارند و واقعا پای فزونی در میان است نمی‌توان با افزودن چیزی به یک طرف آن، از ربا فرار کرد؛ زیرا، ربا واقع شده و آنچه را واقع شده نمی‌توان با هیچ حيله‌ای، تغییر داد و در نتیجه، تا وقتی موضوع ربا، باقی است، حکم/حرمت هم، باقی خواهد بود.

با اینکه صورت مسأله روشن به نظر می‌رسد ولی برای شرح بیش‌تر تفاوت ربا و بیع متمثلین، لازم است به تحلیل دیگر امام خمینی (ره) در کتاب البیع، هم مراجعه کرد. امام در آن‌جا نخست معاملات متمثلین و نقود را به دو قسم ذیل، تقسیم می‌کند: (۱) متمثلین از نظر قیمت با هم تفاضل داشته باشند؛ مانند برنج خوب با برنج بد و لیره انگلیسی با عثمانی؛ (۲) متمثلین از نظر قیمت با هم مساوی باشند؛ مانند گندم‌ها و دینارهای که همه از نظر قیمت با هم برابرند (امام خمینی، بی‌تا [الف]، ۲: ۵۴۱).

چنانچه دو جنس متمثل از قسم نخست باشد معامله یک کیلو از آن در مقابل دو کیلو، از نظر عرف و عقلاً ربوی گفته نمی‌شود؛ زیرا، درست است از نظر حجم و وزن با هم برابر نیستند ولی آن-چه در تجارت ملاک سود و افزایش قرار می‌گیرد ارزش مالی کالاهاست و در این فرض که یک

۱. و لیس فی هذه الحيلة جرف أصلاً، بل تصحیح للمعاملة التي هي كسائر المعاملات بلا تفاوت، فتأمل جداً (بهبهانی، ۱۴۱۷: ۲۹۱).

طرف آن نسبت به طرف دیگر به لحاظ ارزش مالی برابrand، در واقع تفاوت و افزایشی ندارد تا ربا صدق کند. هم‌چنین، در معامله یک لیره انگلیسی با دو لیره عثمانی، ربا نیست؛ زیرا، اگرچه به لحاظ حجم و تعداد لیره عثمانی بیش‌تر است اما از نظر قیمت بازار، هیچ تفاوتی با هم ندارند. البته این معامله در عین آن‌که ربوی نیست ولی شارع تعبداً از معامله آن‌ها به شکل ربوی، منع کرده است. از این‌رو، برای تخلص از مماثلت، باید چیزی را به یک طرف آن افزود تا عنوان مورد معامله، تغییر نماید.

اما اگر دو جنس متمائل از نظر کیفیت و ارزش مالی، مساوی نباشند مانند این که یک کیلو گندم خوب و گران قیمت با دو کیلو گندم ارزان قیمت، معامله گردد این معامله ربوی بوده و با هیچ حیل‌ای هم نمی‌توان از آن، خلاصی یافت. در نتیجه، از نظر شارع مقدس در این موارد معامله تحت دو عنوان، حرام است: ۱) ربا در مثلیات و مانند آن؛ ۲) مبادله مثلیات در صورتی که یک طرف آن از نظر کمیت تفاضل داشته باشد؛ فرقی نمی‌کند ربا-تفاضل در ارزش مالی- هم داشته باشد یا نداشته باشد.^۱ با این تحلیل، منظور امام خمینی از این تعبیر که در مسئله هفتم مسائل ربا در تحریر الوسیله دارد، روشن می‌گردد: «لجائز هو التخلص من المماثلة مع التفاضل... و لیس هذا تخلصاً من الربا حقیقة، و أما التخلص منه غیر جائز بوجه من وجوه الحیل؛ آنچه در صورت تفاضل یکی از عوضین جایز است «تخلص از مماثلت» است... نه تخلص از ربا» (همو، بی تا، ۱: ۵۳۸).

بنابراین، معاملات متمائل با معاملات ربوی، ماهیتاً فرق دارد و آنچه شرعاً با حیل چاره‌پذیر است و می‌شود با ضمیمه نمودن چیزی به یک طرف معامله از حرام در آن به سمت حلال فرار کرد معاملات مثلی است نه معاملات ربوی. البته ممکن است به همان معاملات متمائل هم عنوان ربوی اطلاق گردد اما باید توجه داشت که این اطلاق حقیقی نبوده بلکه با تسامح و مجاز است؛ یعنی هم عنوان آن متفاوت است و هم احکام آن به لحاظ جواز حیل: «فوردت الحیلة للتخلص عنه، من غیر ربط له بباب الربا، و إطلاق «الربا» علی مثله لو کان، فهو توسع و تجوز» (همان، ۲: ۵۴۷؛ ۵: ۵۲۸).

با توجه به آنچه توضیح داده شد معلوم می‌شود از نظر مرحوم امام خمینی معاملات ربوی و مثلی، دو باب مستقل را تشکیل می‌دهند و حکم به جواز حیل در مثلیات، هرگز مساوی با پذیرش حیل در ربای معاوضی نیست تا گمان کنیم که ایشان هم مانند مشهور قائل به جواز حیل در این مورد هست

۱. بالجملة: إن لَدی الشرع الأقدس فی المقام عنوانین محرّمین: أحدهما: الربا فی المثلیات و غیرها. و ثانيهما: مبادلة المثلیات مع الزیادة، سواء کان

فیها ربا أم لا (همو، بی تا [الف]، ۲: ۵۴۶).

ولی این تبصره را دارد که باید میان عوضین، توازن قیمی برقرار گردد (سیفی مازندرانی، بی تا: ۲۳۷). از نظر امام ملاک در تحقق ربای معاملی علاوه بر اتحاد در جنس و مکیل و موزون بودن عوضین، فزونی مالی در یک طرف است. این ملاک اگر در مثلیات محقق گردد قطعا ربا محقق می‌گردد و با هیچ حیل‌های هم تخلص از آن، جایز نیست اما چنانچه آن معامله فاقد این ویژگی باشد، ربوی نیست، اما تعبدا لازم است با ضمیمه نمودن چیزی به یک طرف، ظاهر معامله، تغییر داده شود (امام خمینی، همان، ۲: ۵۴۴).

البته ممکن است راه بر نقض ادعای امام با ارائه شواهد و مناقشه در استدلال ایشان، باز باشد ولی مصادره کردن مدعای ایشان به مطلوب، موجب تقلیل سطح اختلافات و مانع از توجه به ظرافت و ظرفیت اندیشه امام، در تقابل با مشهور می‌گردد.

ادله

مجموع استدلال مرحوم امام خمینی (ره)، از دو بخش تشکیل شده است: (۱) منع مطلق استفاده از حیل در ربا؛ (۲) تحلیل روایات جواز حیل در ربا.

پیش فرض استدلال: اگر به استدلال‌های مرحوم امام در این قسمت توجه نماییم در ظاهر هم چنان مقید و متعبد به روایاتی است که در آن‌ها به مفاسد تحریم ربا تصریح شده است و براساس همین روایات، به آسانی روایات مورد استناد حیل‌های شرعی را در این نوع معامله، نمی‌پذیرد ولی پشتوانه اساسی گفتمان امام در ترجیح روایات تحریم، رهیافت و انتظار ویژه‌اش از فقه است که در اندیشه امام تمامیت برنامه اداری حکومت اسلامی را، تمثیل می‌کند و فقه در این جایگاه نمی‌تواند در بعد اقتصاد قانون متناقض و فسادانگیز و یا لغو بدهد. مرحوم شهید صدر در یک مورد به اجمال اشاره کرده که تحریم مطلق ربا به صورت جزئی، ممکن است در مواردی مشکل‌آفرین باشد ولی وقتی آن را در تناسب با اضلاع دیگر فقه المعاملات در نظر می‌گیریم، خودش یک حلقه مکمل است که در مجموع نظریه برتر اقتصادی فقه را، تبیین می‌نمایند (صدر، ۱۴۱۷: ۲۹۸). این سخن شهید صدر در واقع بیان دیگر از پیش فرض امام است که احکام فقه دائر مدار مصالح جزئی و شخصی نیست بلکه قانون عمومی و جهانی است و قانون در ذات خود نمی‌تواند راهی را باز بگذارد که به نقض کلی آن بیانجامد. به‌رحال، توجه به این پیش فرض در تحلیل تمام اندیشه‌های امام، از پیش شرط‌های لازم فهم فقه امام است که باید در مجال دیگر بسط داده شود و در این جا فعلا روی همان دو محور استدلال، متمرکز می‌شویم.

الف) لغویت تحریم ربا و یا تناقض در آن

مهم‌ترین دلیل مبنی بر تحریم حیله‌ها از نظر امام، همان ادله اولیه تحریم ریاست که در آن به مفسد متعدد این سنخ معاملات در روابط اجتماعی، تصریح شده است. از این رو، لازم نیست در خصوص ممنوعیت حیله‌ها، دنبال دلیل مستقل بگردیم بلکه کافی است همان آیات و روایات تحریم ربا را، بازخوانی نماییم. مطابق ظاهر برخی از این ادله، رباخواری به این خاطر تحریم شده که «موجب ظلم»، «فساد فی الارض»، «تباهی سرمایه‌ها»، «تعطیلی تجارت و معاش مردم»، می‌گردد و اتفاقاً، با اعمال حیله نیز این مفسد محفوظ و ملموس است و به تعبیر مرحوم آیت‌الله معرفت این مفسد از لوازم ماهیت ربا هستند (معرفت، ۱۳۷۷: ۴۶) و نمی‌توان به ادعای تعبّد بر آن‌ها، چشم پوشید؛ یعنی وقتی عقل مصلحت تحریم ربا را می‌فهمد و نیز می‌فهمد که حکم برخلاف آن چه اندازه فساد در پی دارد، نمی‌توان تضییع همان مصلحت و عمل بر ضد آن را بر محمل تعبّد، توجیه کرد بلکه باید به لغویت تحریم ربا و یا تناقض در این تشریح، ملتزم گردید. این بدان می‌ماند که فروش قرآن کریم را به کافر حرام بدانیم اما هدیه اش را جایز و یا شرب خمر را حرام بدانیم اما استفاده از آن را به روش جاسازی در کپسول‌ها جایز، با این که علت حرمت بیع قرآن به کافر، تسلط کافر بر آن است نه بیع و به همین خاطر با تغییر عنوان، مسأله حل نمی‌گردد و هم‌چنین، در حرمت خمر، علت اسکار آن است و با تغییر روش‌های استفاده، علت هم‌چنان باقی است. خلاصه: الف) تحریم مؤکد ربا مبتنی بر پیامدهای اجتماعی، اقتصادی آن است؛ فرقی نمی‌کند این مفسد علت حکم باشد و یا حکمت آن؛ ب) این پیامدها با اعمال حیله هم از بین نمی‌رود؛ یعنی نمی‌شود با افزودن چیزی و یا تغییر عنوان لفظی، ماهیت ربا را تغییر داد؛ ج) در نتیجه، تحریم ربا و تجویز آن با حیله و حفظ پیامدهای فاسدش، یا مستلزم لغو تشریح حرمت ریاست و یا تناقض در آن (امام خمینی، همان، ۲: ۵۴۲، ۵۴۵، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸).

پیشینه استدلال فوق به اندیشه‌های مرحوم اردبیلی می‌رسد. ایشان هم در مجمع الفائدة و البرهان و هم در زبدة البیان، علت موجود در تحریم ربا را مانع از اعمال حیله دانسته و با استفاده از برخی روایات می‌گوید معاملات ربوی به این خاطر تحریم گردید تا راه بر اقدامات خیرخواهانه منسد نگردد و با اعمال حیله‌ها دقیقاً همان مصالح، منعدم می‌گردد: عن هشام بن سالم عن ابی عبدالله (ع) ، قال: «إنما حرم الله عزّ وجلّ الربا لكيلا يمتنع الناس من اصطناع المعروف. وعن سماعة قال: قلت لأبي عبد الله (ع) إنّي رأيت الله قد ذكر الربا في غير آية و كرره، فقال: أو تدرى لم ذلك؟ قلت: لا. قال: لئلا يمتنع الناس من اصطناع

المعروف» (حرام‌علی، ۱۴۰۹، ۱۸: ۱۱۸). «و أنت تعلم أنّها تعدم بفتح باب الحيلة، كما هو المتعارف، فإنّهم يأخذون بها ما يؤخذ بالریاء» (اردبیلی، بی تا: ۴۳۷؛ همو، ۱۴۰۳، ۸: ۴۸۸).^۱

البته فقهای بعد این انتقاد مرحوم اردبیلی را جدی نگرفتند و شاید هم به این خاطر آن را بایکوت کردند که تحلیل احکام بر مدار علت عموماً در فقه امامیه، رویه‌ای ناخوشایند نبوده و به همین خاطر، مرحوم امام هم در ظاهر اصرار ندارد که از مفاسد ریاء، به «علت» تعبیر نماید ولی فضای گفتمانی ایشان در نهایت مجال تردید را سلب کرده و اجازه نمی‌دهد مفاسد موجود در ریاء، حکمت تلقی گردد، بخصوص که از یک طرف حرمت ریاء صریحاً در چند روایت به مفاسد مترتب بر آن تعلیل شده (شیخ صدوق، ۱۳۸۶ق: ۴۸۲/۲، باب علّة تحریم الریاء)^۲ و از طرفی، حکم به باب معاملات تعلق دارد که غلبه در آن با عقلانیت و ملاحظات کارکردگرایانه است.^۳

نکته‌ای دیگری که باید در کل این سنخ استدلال‌ها مورد توجه قرار بگیرد ظرفیت تعمیم آن به تمام گونه‌های ریاست؛ یعنی وقتی رباخواری به علت ظالمانه بودن آن و نیز اخلال در نظام معیشت مردم و سدّ راه خیر و خدمت، تحریم شده و حیلہ بر نمی‌دارد ریای قرضی و معاملی هر دو حرام و تخلص از آن‌ها با هیچ حیلہ‌ای جایز نیست. از این نظر، استدلال ارائه شده اختصاص به ریای معاملی نداشته بلکه قبض و بسط آن تابع پیامدهای است که بر ریاء مترتب می‌گردد و نوع معامله در آن، فاقد تأثیر است.^۴

۱. روح همین استدلال در آراء مرحوم بهیانی هم دیده می‌شود اما به لحاظ مدعا ایشان، پارای از حیلہ‌ها را به خاطر کارکرد آن در تعبیر موضوع، قبول دارد و در عین حال، از تجویز و تشویق آن به صورت گسترده هم انتقاد می‌کند: و هؤلاء الأعلام بصحیحهم حیلهم و ارتکابهم ایناها، و نشرها بین المسلمین سدوا باب ما أراد الله فتحه و بالغ و أكثر فها، و فتحوا الباب الذي أراد الله سدّه و بالغ و أكثر في المبالغة، و يقتضى فتحه سدّ ذلك الباب بالمرّة و اندراس المعروف و قرض الحسنه بالكلیة إلى أن لا یسمع الاسم، و لا یوجد الرسم. و مع ذلك فتحوا باب الحيلة و سهلوها فی نظر العالمین (بهیانی، ۱۴۱۸: ۲۶۴). روشن است چنان‌چه مصداقاً حیلہ‌ها صلاحیت تغییر را داشته باشد دیگر حیلہ به معنای منفی کلمه، نخواهند بود و مشروعیت آن هم اصلاً نیاز به تعبد ندارد!

۲. جالب است که روایات در این باب به لحاظ سبک و سیاق با «باب علّة تحریم الخمر» تفاوتی ندارد (صدوق، ۱۳۸۶، ۲: ۴۷۵). ولی فقها از این روایات به آسانی علت حرمت خمر را کشف کرده اما در علت و حکمت ریاء هنوز هم خیلی‌ها مردد مانده‌اند!

۳. آن معاملات لیست مبنیة علی التبعّد و الاختراع، و إنّما هی أمور مجعولة عند العقلاء علی نحو یتّم به النظام، و الشارح قرّهم علی ذلك (مراغی، ۱۴۱۷، ۲: ۲۷۵).

۴. از نظر مرحوم اردبیلی هم خود همین عمومیت علل تحریم ریاء دلیل بر جریان تحریم آن در عقود دیگر است؛ زیرا، معنا ندارد که ریاء در بیع به خاطر یک سلسله مفاسد تحریم گردد اما همان مفاسد در عقود دیگر، تجویز گردد (اردبیلی، بی تا: ۴۳۲).

ب) تالی فاسد اخذ به ظواهر روایات

مطابق استدلالی که از مرحوم امام مبنی بر عدم مشروعیت حیل‌ها در ربا گذشت، اخذ به ظواهر روایاتی که حیل‌ه را اجازه می‌دهند مستلزم مخالفت آشکار با نص قرآن کریم و سنت قطعی (امام خمینی، بی‌تا[الف]، ۲: ۵۵۳؛ ۵: ۵۲۹) و در مواردی متضمن مطالب خلاف شأن امام(ع) و تجویز صریح خود ریاست (همان: ۵۳۱، ۴۱۴؛ ۵: ۵۳۱). با این وجود، تا آن‌جا که ظرفیت روایات انعطاف دارد باید از کنار گذاشتن آن‌ها خودداری گردد. البته امام در مقام پاسخ از مشهور که با حفظ ظواهر این روایات، قائل به جواز حیل‌ه در ربا شده‌اند یک پاسخ نقضی دارد که نشان می‌دهد امام تا سرحدّ کنار گذاشتن این دسته از روایات، آمادگی دارد: «فی نقل آنه(ص) کتب الی عامله فی مکة بقتال المرابین إن لم یکتوا عن المراباة، فلو کان الانتفاع بمثل الربا جائزاً بسهولة، و إنما یحتاج الی ضمّ شیء الی شیء، أو تغییر کلام، لما احتاج الی کلفة القتال و قتل النفوس، بل کان علیه(ص) تعلیم طریق الحیلة؛ حفظاً لدماء المسلمین» (همان: ۵۴۶).^۱

افزون بر این نقض، راه بر جمع دلالتی این روایات با ممنوعیت حیل‌ها در ربا، نیز هموار است؛ زیرا، روایات مورد استناد مشهور که اتفاقاً متعدد و برخی از آن‌ها صحیح‌ه هم هستند به ربای معاملی، ارتباط ندارد بلکه در خصوص «تخلص از بیع مثل به مثل»، وارد شده‌اند که قبلاً گفتیم چنین معامله بر فرض این که مستلزم ربا هم نباشد، تعبداً حرام است و شارع به منظور تخلص از حرام، راه‌های فرار به حلال را در آن، نشان داده است. البته تثلیث در این نوع معاملات، تثلیث در ظاهر است نه در ارزش و وصف و به همین خاطر، فزونی در یک طرف از نظر کمیت، به لحاظ اغراض تجاری، فزونی و فایده، محسوب نمی‌گردد تا ربوی باشد. شاهد روشن این مدعا، صدور تعدادی از این روایات در خصوص مبادلهٔ درهم‌های مغشوش با درهم‌های سالم و مسکوک اند که امام(ع) راهکارهای خروج از حرام را در آن‌ها به صورت ضمیمه نمودن یک چیز در یک طرف و یا دو معامله‌ای به ظاهر مستقل، تعیین فرموده‌اند:

۱. برای اطلاع از منابع نامه پیامبر اکرم(ص)، ن.ک. احمدی میانجی، ۱۴۱۹، ۲: ۶۷۷. علامه بهبهانی نیز در انتقاد از کسانی که جریان ربا را در غیر بیع ممنوع می‌دانند نه به این مکاتبه، بلکه به کلیت سیره استدلال کرده است. البته مقتضای استدلال او تنها تعمیم ربا در تمام عقود معاوضی نیست بلکه چنان چه خودش هم اشاره کرده منع جریان مطلق حیل‌ها هم هست (بهبهانی، همان: ۲۷۱).

صحیحه عبدالرحمن: «عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّرْفِ فَقُلْتُ ... فَبَعَثْنَا بِالْعَلَّةِ فَصَرَفُوا أَلْفًا وَخَمْسِينَ دِرْهَمًا مِنْهَا بِأَلْفٍ مِنَ الدَّمَشَقِيَّةِ وَالْبَصْرِيَّةِ. فَقَالَ: لَا خَيْرَ فِي هَذَا أَلَّا تَجْعَلُونَ فِيهَا ذَهَبًا لِمَكَانِ زِيَادَتِهَا؟ فَقُلْتُ لَهُ أَشْتَرِي أَلْفَ دِرْهَمٍ وَدِينَارًا بِأَلْفِي دِرْهَمٍ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ» (حر عاملی، همان، ۱۸: ۱۸۷). عبدالرحمان گوید: از [امام صادق (ع)] در مورد صرافی پرسیدم که... مقداری درهم مغشوش می فرستیم و در ازای هر هزار و پنجاه درهم، هزار درهم دمشقی یا بصری، می دهند. فرمود: در این کار خیری نیست، آیا به خاطر زیادی آن، طلا قرار می دهید؟ گفتیم: در ازای هزار درهم و یک دینار، دو هزار درهم تحویل می گیریم. فرمود: این اشکال ندارد.

صحیحه اسماعیل بن جابر: «عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ جَابِرٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَبِيعُ إِلَى صَيرَتِيٍّ وَمَعَهُ دَرَاهِمٌ يَطْلُبُ أَجُودَ مِنْهَا، فَيَقَاؤُهُ عَلَى دَرَاهِمِهِ يَزِيدُهُ كَذَا وَكَذَا بِشَيْءٍ قَدْ تَرَضِيَ عَلَيْهِ ثُمَّ يُعْطِيهِ بَعْدَ بَدْرَاهِمِهِ ذَنَابِيرَ ثُمَّ يَبِيعُهُ الذَّنَابِيرَ بِتِلْكَ الدَّرَاهِمِ عَلَى مَا تَقَاؤًا عَلَيْهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ. قَالَ: أَلَيْسَ ذَلِكَ بَرِضًا مِنْهُمَا جَمِيعًا؟ قُلْتُ: بَلَى، قَالَ: لَا بَأْسَ» (همان: ۱۸۰). از امام باقر (ع) پرسیدم: شخصی با سکه‌های [نامرغوب] پیش صراف می رود تا سکه‌های مرغوبتری خریداری کند، لذا با صراف وارد مذاکره می شود و مبلغی بابت صرف سکه‌ها منظور می کند و بعد از رضایت طرفین، سکه‌های خود را می دهد و معادل آن سکه طلا می خرد و سپس با آن سکه‌های طلا، سکه‌های نقره صراف را براساس همان مذاکرات قبلی خریداری می نماید. [این دو معامله، جایز است؟] ابوجعفر گفت: مگر این دو معامله با رضایت طرفین، انجام نمی شود؟ گفتیم: چرا. ابوجعفر گفت: اشکال ندارد.

صحیحه ابی بصیر: «عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع، قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الدَّرَاهِمِ بِالدَّرَاهِمِ وَعَنْ فَضْلِ مَا بَيْنَهُمَا؟ فَقَالَ: إِذَا كَانَ بَيْنَهُمَا نَحَاسٌ أَوْ ذَهَبٌ، فَلَا بَأْسَ» (همان: ۱۸۱). از امام صادق (ع) مبادله درهم با درهم را پرسیدم و این که فزونی در یک طرف آن‌ها را چه باید کرد؟ فرمود: اگر در بین آن‌ها مس و یا طلا باشد اشکال ندارد.

واضح است درهم‌ها در ظاهر مثل هم اند ولی از نظر عرف بازار، ارزش درهم‌های مغشوش با مسکوک، مساوی نیستند بلکه گاهی دو درهم مغشوش با یک درهم مسکوک مساوی اند و به همین خاطر مبادله‌ای آن‌ها، در واقع مبادله دو کالای است که از نظر ارزش مساوی ولی از نظر حجم و تعداد، متفاوت است و آنچه هم در ربا تأثیرگذار است تفاوت ارزشی کالاهاست نه تفاوت کمی آن‌ها. بنابراین، در این معاملات، عرفا ربا صادق نیست تا برای فرار از آن نیاز به حيله باشد بلکه مبادله متمثلین است که البته آن هم به صورت مثل به مثل اگرچه ربوی هم نباشد، جایز نیست: «فالسؤال في تلك الروايات عن العلاج والتخلص من

چالش حيله‌های فرار
از ربا در نظام فقهی
امام خمینی (ره)

مبادلة المثل بالمثلين مثلاً، بعد كون القيمة السوقية كذلك، فعلمهم الأئمة (ع) طريق التخلص؛ بضم شيء من غير الجنس، يخرج به عن معاملة المثل بالمثل؛ لأن المجموع غير مماثل لمقابلته، والمعاملة واقعة بين المجموع والمجموع» (امام خميني، همان، ۲: ۵۴۸).

نقد و بررسی

نظریه‌ای که در باب ربا از مرحوم امام، تبیین گردید از ابتکارات فقهی ایشان است که در آن با مشهور و بلکه مطابق برخی ادعاها با اجماع، مخالفت شده است. از این رو، انتقاداتی هم از آن صورت گرفته ولی حجم و کیفیت این نقدها، هیچ‌گاه متناسب با شدت تقابل آن با مشهور و میزان اِبهت نظریه مقابل، نبوده است. معنای این سخن بی دفاع ماندن طرفداران مشهور و شکل‌گیری فضای جدید بر محوریت آراء امام در دوران معاصر و آینده پیرامون این مسأله است. در هر حال، در این ارتباط، سه نقد براساس میزان اهمیت گزینش شده که به ترتیب ارتباط آن به اصل استدلال، تحلیل امام از روایات و هماهنگی میان آراء ایشان، نقل و بررسی می‌شود:

الف) خلط میان موضوع و نتیجه: به اذعان برخی فقه‌پژوهان، مرحوم امام میان موضوع حکم ربا و نتیجه‌ای آن، تفکیک قائل نشده و در نهایت، حکم را به صورت غیرروش‌مند بر خارج از موضوع آن، تطبیق داده است: «إنا لم نحرز أن الحرمة في الربا هي بلحاظ النتيجة (أن يأخذ الدائن زيادة عن رأس ماله) بل إن الحرمة جاءت على موضوعها وهو العقد الربوي، فما لم يوجد عقدا ربويا لا يمكن القول بالحرمة، ولذا نتعبد نحن بحرمة الزنا و بحلية الزواج الدائم و المنتطح مع أنه لا فرق بينهما من ناحية النتيجة إلا بالعقد اللفظي، و كذلك نقول بأن رد القرض مع الزيادة من دون شرط جائز أيضا بلا خلاف بين العلماء مع أن نتیجه‌ی هی نتیجه‌ی الربا إن لم نلاحظ الثواب الأخرى على الهدية، و كذلك نقول بجواز الهدية التي تهدي إلى شخص بداعي القرض» (جواهری، بی تا: ۲۶۹).

نقد فوق متوجه اصل استدلال امام و در آن به مسائل متعدد، اشاره شده که اولاً، موضوع حرمت در ربا، عقد ربوی است نه نتایجی که مترتب بر عقد می‌گردد. ثانیاً، تا عقد ربوی نباشد علی‌القاعده نمی‌توان به حرمت آن متعبد گردید چنانکه در روابط جنسی زنا حرام است اما ازدواج دائم و یا موقت، که جز در عقد تفاوتی با زنا ندارند، حلال است. همچنین، در قرض، برگرداندن چیزی افزون بر اصل مال به صورت داوطلبانه، جایز است، با این که نتیجه‌ای آن جز به لحاظ ثواب اخروی، با قرض ربوی، واحد است و نیز، دادن هدیه به داعی قرض، صحیح است که از نظر نتیجه با تعهد به ربا، تفاوتی ندارند.

به نظر می‌رسد در انتقاد فوق، دقت‌های لازم نشده و در نتیجه، چند قیاس مع‌الفارق و خطای فاحش هم، روی داده است؛ زیرا، نخست، عدم صدق عقد ربوی در فرض اضافه شدن چیزی به یک طرف است که این اول کلام است دوم، نسبت تعمیم حکم به خارج از موضوع، است که دقت نگردیده تحریم در ربا، تعبدی محض نبوده بلکه معلل به مفسد ملموسی است که مکلفان از درک آنها علی‌العموم عاجز نیستند. از این نظر، همانگونه که علی‌القاعده موضوع در احکام معلل، علت‌هاست، موضوع تحریم ربا نیز مفسد مترتب بر آن است. ثانیاً، بر فرض که امور مترتب بر ربا را حکمت بدانیم باز تغییری در موضوع اتفاق نمی‌افتد؛ زیرا، افزودن چیزی به صورت نمادین به یکی از عوضین یا انتخاب روش‌های دیگر که در ذات معامله و نیز اغراض تجاری، دخالت ندارد نمی‌تواند عرفاً در تغییر عنوان معامله مؤثر باشد. به بیان دیگر، تلقی عرف از هر معامله‌ای، معطوف به مقاصد متعاملین و ارزش اموال مورد معامله است و حیله‌ها نه در قصد طرفین معامله نقش دارد و نه در کاهش و افزایش اموال تا مبنای ارزیابی، قرار بگیرند. ثالثاً، قیاس نقش حیله‌ها در ربا با عقد در ازدواج، مع‌الفارق است؛ زیرا، تفاوت ازدواج مشروع با زنا تنها در عقد لفظی نیست بلکه مقدم بر آن مبتنی بر نوع روابط است که در ازدواج با اعلام تعهدات طرفین در قالب عقد آغاز شده و با تشکیل خانواده و تحمل مسئولیت‌های آن، ادامه پیدا می‌کند و نقش عقد در این میان، نقش تشریفات است که به دستور شرع پس از اجرای آن هم برای طرفین و هم برای جامعه، رابطه زناشویی با تمام لوازم و احکامش قطعی و رسمی، می‌گردد. بنابراین، زنا و ازدواج نتیجه‌ای مشترک ندارند تا به این ملاحظه، با هم مقایسه گردد. آری، اگر ازدواج صرفاً به رابطه جنسی و فارغ از هر نوع تعهد و انتظار که دین از آن دارد، تقلیل داده شود راه بر این خطای محاسباتی باز خواهد شد تا احیاناً با زنا مقایسه گردد و نقش عقد در حد نقش حیله‌ها، تنزل داده شود!

چالش حیله‌های فرار
از ربا در نظام فقهی
امام خمینی (ره)

اما برگرداندن چیزی علاوه بر اصل مال در قرض که جنبه داوطلبانه داشته باشد از مصادیق هدیه است و این هم با ربا تفاوت بسیار دارد که در آن اخذ فزونی، هدف‌مند و تحمیل شده، است و این تفاوت بیش از آن که استدلالی باشد وجدانی است؛ یعنی برای همه محسوس است که نتیجه اقدامات داوطلبانه شخص مقروض از نظر داوری‌های عرفی و مقاصد تجاری، با ربا واحد نیست و باز در این مورد هم مانند مورد ازدواج و زنا نخست نتایج هدیه مالی و ربا صرفاً به درآمد، تقلیل داده شده و سپس راه بر مقایسه درآمدها از طریق ربا با هدیه و دیگر کارهای خیریه، باز شده است چنان که در مورد اخیر نیز ابتکار داوطلبانه برای ایجاد انگیزه بر قرض، با ربا مقایسه شده در حال که تفاوت اقدام داوطلبانه به

لحاظ ماهیت و آثار عرفی و دینی، با آن چه تحت عنوان ربا داد و ستد می‌شود، کم نیست و حداقل آن، فراهم بودن زمینه‌های انتخاب است؛ هم کسی که می‌خواهد هدیه بدهد و هم کسی که قرار است قرض بدهد می‌تواند آن را انجام ندهد با این که در ربا، حق انتخاب از مقروض سلب می‌گردد.

ب) مواجهه گزینشی با روایات: این نقد را برخی از شارحان آثار امام خمینی مطرح کرده که تفسیر و توجیه ایشان از روایات، فاقد جامعیت است و در این مقام تنها ملاک برخی از روایات را، قرار داده است؛ مطابق این روش، مرحوم امام نمونه‌های را که با ادعایش در تضاد قرار دارد، کاملاً بایکوت کرده است. از این منظر، حمل روایات مجوز حیل شرعی بر معامله مثلیاتی که عوضین در کمیت و وصف تفاوت دارند ولی به لحاظ قیمت توازن دارند، جامعیت لازم را ندارد؛ زیرا، در برخی از این روایات، مورد سؤال دقیقاً معامله ربوی است؛ یعنی عوضین متمائل بوده و در مقایسه هم کمیت و هم ارزش مالی یک طرف بیش تر از طرف دیگر بوده است. مشکل این نوع معامله قطعاً ریاست نه آن که به لحاظ قیمت‌ها توازن داشته و مشکل فقط اتحاد در جنس عوضین بوده است (سیفی مازندرانی، همان: ۲۴۳).

نکته‌ای که به نظر می‌رسد این دسته از منتقدان مرحوم امام به آن توجه نمایند موقعیت دشوار امام است که بر سر دو راهی کنار گذاشتن تمام روایات و حفظ آن فی الجمله، قرار دارد. به نظر ایشان، اخذ به ظواهر این دسته از روایات حداقل مستلزم مخالفت با کتاب و سنت قطعی، است؛ یعنی نمی‌شود ملتزم شد شارع از یک طرف ربا را مطابق نص قرآن کریم و سنت، تحریم کرده و از طرفی دیگر همان محتوا را در چهارچوب حیل‌ها، اجازه داده باشد که مفهوم آن به صورت مستقیم لغو تحریم ربا و یا تناقض در آن است؛ زیرا، با وجود باز بودن این راه‌ها که هزینه ندارد هیچ معامله‌ای ربوی اتفاق نمی‌افتد و این البته تناقض آشکار هم هست که از یک طرف ربا ممنوع باشد و از طرفی عملاً و نتیجتاً با ظاهرسازی‌های اندک، مجاز باشد. بنابراین، ممکن است راهکار امام مبنی بر حمل روایات بر موردی که عوضین متمائل اند ولی ربوی هم نیست، فاقد جامعیت باشد اما این جای نگرانی ندارد؛ آنچه جای نگرانی دارد عملاً تعطیل احکام اولیه ربا و باز کردن راه بر مفساد آن است.

ج) ناهماهنگی میان آراء: مطابق فتوای امام خمینی که قبل از مسأله عدم جواز تخلص از ربا، بدان تصریح نموده تفاوت قیمت کالاهای که شرایط ربا را دارند، موجب جواز معامله‌ای آن‌ها به صورت مثل به مثل، نمی‌شود؛ مثلاً، بیع یک متقال طلای خوب با دو متقال طلای که ارزش کم‌تر دارد،

جایز نیست اگرچه در واقع جز تفاوت در کمیّت، از نظر قیمت بازاری این دو متقال با آن یک متقال، مساوی اند: «التفاوت بالجوّدة والرّداءة لا یوجب جواز التفاضل فی المقدار، فلا یجوز بیع متقال من ذهب جید بمتقالین من ردی و إن تساویا فی القيمة» (امام خمینی، بی تا، ۱: ۵۳۸).

ظاهراً اطلاق این فتوا با آنچه که در مسأله بعد مطرح کرده متفاوت به نظر می‌رسد: «و الجائز هو التخلّص من المماثلة مع التفاضل، کبیع من من الحنطة المساوی فی القيمة لمئین من الشعیر أو الحنطة الردیة، فلو أريد التخلّص من مباحة المماثلین بالتفاضل یضمّ إلى الناقص شیء فرارا من الحرام إلى الحلال، و لیس هذا تخلّصا من الربا حقیقة» (همان: مسأله ۷).

به اذعان برخی از شارحان آثار امام، فتوای نخست با ظواهر نصوص هماهنگی بیش‌تر دارد و از این‌رو، در اندیشه‌های امام راه بر توافق آن با مشهور باز است؛ زیرا، همه بر این اتفاق دارند که کالایی دارای شرایط ربا را فقط در صورتی می‌توان معامله کرد که به یکی از طرف‌های آن، چیزی غیرمتجانس، ضمیمه گردد (سیفی مازندرانی، همان: ۲۴۳).

ملاحظه‌ای که در این باره وجود دارد این است که درست است در ظاهر میان این دو فتوا هماهنگی دیده نمی‌شود ولی چنانچه بخواهیم از میان آن‌ها انتخاب کنیم ترجیح با فتوای دوم است که به تصریح خود امام محصول تجدیدنظر و محصول تأملات استدلالی ایشان در کتاب البیع است؛ برابر این رویکرد، هم‌خوانی با ظواهر روایاتی که حیله در ربا را تجویز می‌نمایند چندان اهمیت ندارد بلکه مهم‌تر از آن و مقدم بر آن حفظ مقاصد شریعت است که با تجویز حیله در ربا در عین آن که به تحریم آن نیز معتقد باشیم، هرگز تأمین نمی‌شود. علاوه بر این، می‌توان ادعا کرد تفاوت این دو فتوا در اطلاق و تقیید است؛ یعنی در فتوای دوم امام قیود جواز معامله متماتلین را در صورت تفاضل قیمت، مطرح می‌کند که این معامله اگرچه به صورت مثل به مثل جایز نیست ولی راه تخلص از آن وجود دارد و آن ضمیمه کردن چیزی به یک طرف عوضین است. بنابراین، گفتمان امام با مشهور قربت و شباهتی ندارد.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

از نظر مرحوم امام، استفاده از حیله‌ها در ربای معاملی جایز نیست؛ زیرا، از یک طرف، حکم تحریم ربا در روایات به مفسد مترتب بر آن، تعلیل شده و در صورت اعمال حیله‌ها نیز این

مفاسد محفوظ است. بنابراین، لازمه مشروعیت حیل‌ها در ربا، تجویز تناقض و لغویت در ساحت شرع است. از طرف دیگر، روایات مجوز حیل‌ها، ظرفیت تحویل به گونه‌های از معاملات را دارد که در ظاهر ربوی به نظر می‌رسند اما در واقع، فاقد کارکرد ربا است. مضافاً که محتوای برخی از این روایات با شأن امام(ع) در تعارض بین قرار دارد. افزون بر این، جایگاه فقه در حکومت اسلامی، جایگاه قانون است و قانون نباید متضمن تناقض و یا گریزگاه‌هایی باشد که روح آن به صورت گسترده، نقض گردد.

مهم‌ترین نقد بر استدلال مرحوم امام خمینی اذعان به کارکرد حیل‌ها در تغییر عنوان معاملات ربوی است که گویا امام بدان توجه نکرده است. در بررسی‌ها مشخص گردید که این منتقدان اند که با بازتعریف کارکرد حیل‌ها و بلکه تحمیل کارکرد متفاوت بر آن‌ها، از موضوع مناقشات، خارج شده‌اند و نیز از پاسخ به استدلال اصلی امام که بر محوریت غرض شارع از تحریم ربا سامان داده شده بود، طفره می‌روند. این طرز مواجهه با مسأله متأثر از جو غالب فقه امامیه هم هست که در استنباطات بیش از آن که بر محور مقاصد و علل، پیش رود بر ظواهر ادله نقلی، تکیه داشته و حتی مرحوم امام نیز تاحدودی نمی‌خواهد برخلاف این جو عمومی، مفاسد ربا را، صریحاً علت حکم معرفی نماید و به همان حکمت بودن آن‌ها رضایت می‌دهد اما روح استدلال وی و نیز کارکرد عقلایی معاملات، مقتضی آن است که تحریم اصل ربا بر پایه مفاسد مترتب بر آن، ارزیابی گردد. با عزیمت از این نقطه، از یک طرف راه برای اکتشاف احکام متناسب با حرمت اصل مسأله فراهم شده و از طرفی، فضا برای نقد روش‌مند برداشت‌ها و داوریه‌های که در تقابل با آن قرار دارد، باز خواهد شد. حرکت از این نقطه، گام نخست موفقیت در این مسیر است.

منابع

- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴)؛ معجم مقائیس اللغة، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ابن عاشور (بی تا)؛ مقاصد الشریعة الاسلامیه، بی جا، بی نا.
- احمدی میانجی (۱۴۱۹)؛ مکاتیب الرسول (ص)، قم، دار الحدیث.
- اردبیلی، احمد (بی تا)؛ زبده البیان فی أحكام القرآن، تهران، المكتبة الجعفریة لإحياء لآثار الجعفریة.
- _____ (۱۴۰۳)؛ مجمع الفائدة و البرهان، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم
- اصفهانى، سيد ابوالحسن (۱۴۲۲)؛ وسیلة النجاة، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، سید روح الله (بی تا)، تحریر الوسیلة، قم، مؤسسه مطبوعات دار العلم.
- _____ (بی تا [الف])، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- بحرانی، یوسف (۱۴۰۵)؛ الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- بهبهانی، محمدباقر (۱۴۱۸)؛ الرسائل الفقهیة، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- _____ (۱۴۱۷)؛ حاشیة مجمع الفائدة و البرهان، قم، مؤسسه العلامة المجدد الوحيد البهبهانی.
- جواهری، حسن محمدتقی، (بی تا)؛ رسائل فقهیة (الربا فقہیا و اقتصادیا)، بی جا، بی نا.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)؛ وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- حلی، جعفر (۱۴۰۸)؛ شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم، اسماعیلیان.
- خوئی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۰)؛ منهاج الصالحین، قم، مدینة العلم.
- راغب اصفهانى، محمدحسین (۱۴۱۲)؛ مفردات الفاظ القرآن الکریم، سوریه، الدار الشامیة.
- سیفی مازندرانی، علی اکبر (بی تا)؛ دلیل تحریر الوسیلة، (فقه الربا)، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- شهید ثانی، زین الدین (۱۴۱۳)؛ مسالک الافهام، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیة.
- شیخ صدوق، محمد بن بابویه (بی تا)؛ علل الشرائع، قم، کتابفروشی داوری.
- فیض کاشانی، محمدمحسن (بی تا)؛ مفاتیح الشرائع، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی.
- فیومی، احمد (بی تا)؛ المصباح المنیر، فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، منشورات دار الرضی.
- مراغی، سید عبدالفتاح (۱۴۱۷)؛ العناوین الفقهیة، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۷۷)؛ ربا از گناهان کبیره و استثنا ناپذیر است، مجله نامه مفید، شماره ۱۳.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۰)؛ بررسی طرق فرار از ربا، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع).
- نجفی، شیخ حسن (۱۳۶۷)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
- یزدی، سید محمدکاظم طباطبائی (۱۴۱۴)؛ تکملة العروة الوثقی، قم: کتابفروشی داوری.